

فلسفه اسلامی

محمد رضا شهیدی پاک^۱

^۱ فوق دکتری در فلسفه، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

فلسفه اسلامی یکی از نهادهای بنیادین تفکر انسانی است که از بطن نگرش دینی زاده شده و پیوندی عمیق با جهان بینی توحیدی دارد. هدف اصلی آن، تبیین عقلانی مسائل دینی و رساندن دین آحاد مردم به مرتبه فلسفی است. از این رو، ماهیت فلسفه اسلامی ذاتاً دینی است و نمی توان آن را از بستر ایمان جدا دانست. با این حال، در تاریخ نگاری فلسفه، فلسفه اسلامی اغلب از مجموعه تاریخ فلسفه جهانی کنار گذاشته شده است. در این میان، یادآوری دیدگاه شرق شناس فرانسوی، هانری کربن، اهمیت دارد؛ او فلسفه اسلامی را اندیشه ای زنده و پویا می داند که زیرساخت بسیاری از مسائل معرفتی و هستی شناختی در تمدن اسلامی و حتی در فلسفه معاصر به شمار می رود.

واژه های کلیدی: فلسفه اسلامی، تاریخ فلسفه، هانری کربن، نهاد دینی

مقدمه

فلسفه اسلامی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین میراث‌های فکری بشر، تلاشی بنیادین برای آشتی دادن عقل و ایمان و تبیین جهان‌بینی دینی از منظر عقلانی است. این حوزه فکری که بنا بر دیدگاه صاحب‌نظرانی چون هانری کربن، اندیشه‌ای زنده و زیربنایی محسوب می‌شود، در سیر تاریخی خود، از مرحله انتقال علوم یونانی آغاز و با چهره‌های شاخصی چون ابن سینا، فارابی، و ابن رشد به اوج و گسترش رسید و پس از دوره‌هایی از رکود و مخالفت، توسط حکیمانی چون ملاصدرا احیا و به‌روزرسانی شد. آخرین مرحله در سیر تکاملی فلسفه در تاریخ اندیشه بشری، با این پرسش محوری روبه‌رو است: محورهای اصلی شکل‌دهنده و مدافعان این جریان فکری که منجر به ترکیبی غنی از حکمت یونانی و مفاهیم اسلامی توسط ایرانیان شد، چه کسانی بودند و نقش هر یک در تداوم و تحول این سنت فکری چه بود؟ این پژوهش با تکیه بر نقش محوری فیلسوفان امامی چون ابن سینا و فارابی، و بررسی مواجهه با مخالفانی نظیر غزالی و نقش بسط‌دهنده ابن رشد، به تحلیل سیر تاریخی و نتایج این فرآیند ترکیبی می‌پردازد. آخرین مرحله در سیر فلسفه در تاریخ انسان است. محور فلسفه اسلامی، نخبگانی است که آن را ساخته‌اند و آن‌ها به ترتیب نقشی که دارند، عبارتند از:

۱. فیلسوف امامی: ابن سینا (۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی / ۳۷۰-۴۲۸ قمری)

تاریخ فلسفه اسلامی با او که «لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» است، آغاز می‌شود؛ زیرا او:

۱. جامع‌العلوم است و در مرحله انتقال علوم و تمدن‌ها به عالم اسلامی، جامع‌العلوم بودن برای این انتقال لازم است.
۲. فحل (استاد بزرگ) است.
۳. آثار او در شرق و غرب مورد استقبال بوده؛ قانون او دومین کتاب پس از انجیل بود که در اروپا منتشر شد.
۴. آثار او دارای هندسه مدیریت (نظامی‌گری در تفکر) است.
۵. مسائل اصلی فلسفه اسلامی را دارد.
۶. آثارش قرن‌ها کتاب درسی بوده است.
۷. صاحب دائرةالمعارف شفا است.
۸. دارای پتانسیل هر مکان و زمان در علم است.
۹. آثارش نظام آموزشی ساز است.
۱۰. بی‌مانند است.
۱۱. این فیلسوف امامی در یکی از آثارش گفته است: «الاستخلاف بالنص أ صوب وأولى».
۱۲. صاحب دائرةالمعارف الحکمة المشرقیة است.
۱۳. خصوصیات ویژه سینوی:
۱. نمونه انسان کامل: کربن می‌گوید: «ابن سینا به بهترین وجه نمودِ نمونه انسان کامل و جامع شد.»
۲. حکمت مشرقیه.
۳. نظریه علم سینوی: در چهارچوب نظر فارابی، ارسطو، نوافلاطونی و تعمیق اسلامی پیش رفت.

۲. فارابی امامی صاحب الفلسفه الاولى:

فارابی امامی مذهب در این کتاب می‌نویسد: فلسفه علمی است راجع به وجود. با وجود این کتاب، فارابی هنوز درگیر یونان است و در «مدینه الفاضله» و «الجمع بین رأی الحکیمین» هنوز به جایگاه اصلی نرسیده است. اما جامع بودن بی‌مانند و چهره معنوی شخصیت ابن سینا و پیچیدگی آن که در شفا ظاهر شده است (چنانکه کربن گفت)، شخصیت جامع و قصد او در بنیان‌گذاری فلسفه اسلامی، با قدرت هست.

۳. غزالی، نابغه شرق:

با وجود آنکه فیلسوف و نابغه شرق است، اما چون ابن سینا «لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» نبود و جامعیت نداشت، ناگهان از مخالفان فلسفه شد و در بیست دلیل آن‌ها را رد کرد. شاید مقتضیات سیاسی وضع خلافت ایجاب می‌کرد و کتاب تهافت الفلاسفه را نوشت که شرق و غرب را تکان داد. عکس‌العمل ابن رشد، نگارش تهافت التهافت بود.

۴. ابن رشد، آغاز و پایان فلسفه:

بیش از هر کس، گسترش و اضطراب ناشی از فلسفه در شرق و غرب از او بود. لندن و پاریس او را با نشر چند کتاب (مانند «خنجر الإیمان») به قتل متهم کردند. میوه آثار او در اتحاد عقل و دین و عقل‌گرایی نصیب مسیحیت و یهود شد. او راه را برای دکارتی‌ها در عقل‌گرایی باز کرد و در به‌روزرسانی ارسطو گام اساسی برداشت؛ اگر او نبود، بشریت امروز با ارسطو آشنا نبود. ابن طفیل و ابن باجه این زمینه را برای ابن رشد فراهم ساختند. آن دو با بازبینی نقش عقل و فیلسوف، او را متحد در اجتماعات خواندند.

خواجه نصیرالدین طوسی: امام المتکلمین

به همت او فلسفه در ایران زنده بود، در حالی که در دنیا مرده بود و مرحله‌ای اساسی در به‌روزرسانی فلسفه یونان توسط ابن سینا در شرح آثاری چون «اشارات» بود. او نقطه عطف استمرار فلسفه اسلامی است.

روگردانی جهان اسلام از فلسفه: ابن خلدون و «فی فساد الفلسفه و منتحلیها»

جهان اسلام در قرون ۶، ۷، ۸ و ۹ هجری از فلسفه رویگردان شد. ابن خلدون در اوایل قرن نهم، در مقدمه خود در جایی خود را «شارح ابن رشد» خوانده و در جای دیگر می‌نویسد: «فی فساد الفلاسفه و منتحلیها»؛ و همان مواضع غزالی درباره فلسفه را اعلام می‌کند.

ملاصدرا:

یکی از مهم‌ترین به‌روزرسانی‌های فلسفه یونان توسط ملاصدرا صورت گرفت که این کار مشکلاتی برای او ایجاد کرد.

هادی سبزواری:

پیرو راستین صدرا است و سرآمد عرفان و فلسفه اسلامی شد.

طباطبائی:

پیرو صدرا و در چهارچوب نظرات او است.

نتیجه گیری:

فلسفه اسلامی حاصل فرآیند ترکیبی اسلامی-یونانی به وسیله ایرانیان است.

منابع

حنّا، ألفا خوری. تاریخ فلسفه اسلامی.
کربن، هانری. (۱۳۷۷). تاریخ فلسفه اسلامی.